

پیش‌بینی تعارض زناشویی از طریق ویژگی‌های شخصیتی و جمعیت شناختی زوجها

مریم کتانی نجف‌آبادی

کارشناس ارشد مشاوره دانشگاه اصفهان

مریم فاتحی‌زاده^۱

دانشیار و عضو هیئت‌علمی دانشگاه اصفهان

عذرا اعتمادی

دانشیار و عضو هیئت‌علمی دانشگاه اصفهان

رضوان السادات جزایری

استادیار و عضو هیئت‌علمی دانشگاه اصفهان

چکیده

این پژوهش با هدف پیش‌بینی تعارض زناشویی (زوج‌های در معرض طلاق و زوج‌های عادی) از طریق ویژگی‌های شخصیتی و جمعیت‌شناختی اجرا شد. پژوهش از نوع همبستگی بود. جامعه آماری دو گروه زوج‌های در معرض طلاق و زوج‌های عادی بودند. از میان زوج‌های عادی ۱۶۰ زوج به صورت نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی و از میان زوج‌های در معرض طلاق ۱۶۰ زوج به صورت نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. ابزارهای سنجش شامل پرسشنامه ۱۶ عاملی شخصیت کتل (کتل، ۱۹۷۵) و پرسشنامه ویژگی‌های جمعیت‌شناختی محقق ساخته بود. داده‌ها از طریق تحلیل رگرسیون گام‌به‌گام (لوجستیک) تحلیل شد. یافته‌ها نشان داد که از میان متغیرهای پژوهش (ویژگی‌های شخصیتی و جمعیت‌شناختی)، از متغیرهای روان‌شناختی، متغیرهای سن، فاصله سنی و تعداد فرزندان و از متغیرهای شخصیتی عامل‌های گرمی (A)، سلطه‌گری (E)، سرزندگی (F)، استدلال انتزاعی (B)، گوش‌به‌زنگ بودن (L) و تنش (Q₄) وارد معادله شده است و نشان می‌دهد که این عوامل توان پیش‌بینی در معرض طلاق قرار گرفتن را دارند. واژه‌های کلیدی: تعارض زناشویی، ویژگی شخصیتی، ویژگی جمعیت‌شناختی.

^۱ نویسنده مسئول

آدرس پست الکترونیکی: fatehizade@gmail.com

آدرس پستی: ایران، اصفهان، دانشگاه اصفهان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه روان‌شناسی

وصول: ۱۳۹۳/۱۲/۱۲ - پذیرش: ۱۳۹۴/۱۱/۲۲

Prediction of marital conflict through the personality and demographic characteristics of spouses

Katani, M., Fatehizadeh, M., Etemadi, O., Jazayeri, R

(Received; 03 Mar, 2015-Accepted; 11 Feb, 2016)

Abstract

The purpose of this research was to predict marital conflicts (of divorce prone and normal couples) through personality, psychological and demographic characteristics. To conduct this correlational study, using two-stage cluster sampling method, 320 couples (160 normal and 160 divorce prone couples) were selected randomly. The assessment tools included sixteen personality factor Questionnaire (16PF), and The Demographic Questionnaire. The data were analyzed using stepwise regression analysis (logistic). The results showed that among the personality and demographic variables, six personality factors namely; A, B, E, F, L, Q4, and three demographic variables namely; number of children, age, and couples' age gap significantly predict marital conflict.

Keywords: marital conflict, personality characteristics, demographic characteristics

مقدمه

ازدواج بزرگترین و مهم‌ترین رویداد زندگی هر انسان و رابطه زناشویی، هسته مرکزی دوام این ازدواج و استحکام نظام خانواده است؛ بنابراین عدم رضایت از زندگی زناشویی به منزله تهدیدی جدی برای بقای خانواده محسوب می‌گردد (جهانیان، ۱۳۹۲). خانواده یک نهاد اجتماعی مهم است. در دوران معاصر، این نهاد با چالش‌های روبه‌رو شد و این موضوع بر سلامت خانواده و جامعه تأثیر گذاشت. تغییر مدل ازدواج، سن بالای ازدواج، لزوم آماده‌سازی پیش از ازدواج و تغییر روش طلاق در میان متخصصان خانواده می‌تواند سلامت فردی ازدواج و تقویت خانواده را به وسیله‌ی ارائه یک روش علمی و برنامه‌درمانی، حل و توسعه دهد (رفاهی و مقتدری ۲۰۱۳).

از آنجا که آمار طلاق در کل جهان افزایش یافته است و این افزایش تا حدی است که

برخی از کشورها را با بحران مواجه کرده، از این رو در دهه‌ی گذشته پژوهشگران زیادی به بررسی عوامل مؤثر در استحکام و رضایت‌مندی زناشویی پرداخته‌اند (امانی، ۱۳۹۱). تقریباً همه زوجین سطح بالایی از رضایت‌مندی را در آغاز زندگی زناشویی گزارش می‌کنند اما این رضایت در طول زمان کاهش می‌یابد (لهسایی‌زاده، مردانی و حاکمی‌نیا، ۲۰۱۳). در پژوهش‌های مختلف به عوامل بسیار زیادی اشاره شده است که بسیاری از آن‌ها با یکدیگر همپوشی داشته و نیاز به طبقه‌بندی جدیدی در این مورد را نشان می‌دهد. از جمله این عوامل می‌توان به عوامل روان‌شناختی، جمعیت‌شناختی، ویژگی‌های والدین، سلامت روانی و جسمانی زوجین، ویژگی‌های شخصیتی، میزان استقلال یا وابستگی در ازدواج، جذابیت جسمانی، عوامل قبل از ازدواج و یا ترکیبی از عوامل فوق نام برد (شفیعی مطلق، ۱۳۸۹).

برخی از پژوهش‌هایی که در مورد عوامل زمینه‌ساز طلاق صورت گرفته نشان داده که یکی از مهم‌ترین و عمیق‌ترین ریشه‌های طلاق، ویژگی‌های شخصیتی و اختلالات روانی زوج‌هاست. برخی از ویژگی‌های شخصیتی و اختلالات روانی تنش‌ها و تعارضات را بین زوج‌ها افزایش می‌دهد و تداوم زندگی زناشویی را تهدید می‌کند (واتسون، هوبارد و وایس، ۲۰۰۰؛ دونلان، کانگر و برایانت، ۲۰۰۴؛ ویسمن، یوبه لاکر و وین استاک، ۲۰۰۷؛ عطاری، امان‌الهی‌فرد و مهرابی‌زاده، ۱۳۸۵؛ جلیلی، بخشایش و فارسی‌نژاد، ۱۳۸۸). همچنین برخی از عوامل جمعیت‌شناختی مانند سن، تحصیلات، وضعیت اقتصادی اجتماعی و وضعیت اشتغال نیز نقش مهمی در تداوم و یا تداوم نداشتن زندگی زناشویی دارند (ساروخانی، ۱۳۷۶؛ احمدی و رئیس‌پور، ۱۳۸۷).

رایس (۱۹۹۶) تعارض را نوعی ارتباط زناشویی تعریف می‌کند که در آن رفتارهای خشونت‌آمیز مانند توهین، سرزنش، انتقاد و حمله فیزیکی وجود دارد و زوج‌ها در آن نسبت به یکدیگر احساس خصومت، کینه، خشونت و نفرت داشته و هر یک عقیده دارد که همسرش آدم نامطلوب و ناسازگاری است که موجب رنجش و عذاب او می‌شود. داچ^۱ (۱۹۷۳) می‌گوید «هر وقت ناهمسازی روی دهد، تعارض وجود دارد. تعارض عملی است که موجب ممانعت، تخریب مداخله بی‌مورد و آسیب‌رسانی شده یا به‌هر حال راه‌حل‌های کمتر مؤثری را به وجود

^۱ Deutsch

می آورد» (کیخسروی، ۱۳۹۱).

به علاوه، تعارض در روابط وقتی بروز می کند که رفتار یک شخص با توقعات شخص دیگر جور در نیاید (دیویس، ترجمه بهاری، ۱۳۸۲). همین طور، وجود تعارض زناشویی ناشی از واکنش نسبت به تفاوت های فردی است و زمانی قوت می گیرد که احساس خشم، خصومت، کینه، نفرت، حسادت، آزار کلامی و فیزیکی بر روابط زوج ها حاکم می شود (یانگ و لانگ، ۱۹۹۸، به نقل از یوسفی، ۱۳۹۱). دو نوع تعارض در روابط زناشویی وجود دارد: تعارض سازنده و تعارض مخرب. در تعارض سازنده تمرکز بر حل مسئله است و هیچ احترام و اعتمادی بین طرفین نیست اما هیجان منفی بین زوجین وجود دارد. در تعارض مخرب زوجین بجای حل مشکل به یکدیگر حمله می کنند. در این تعارض زوجین از طریق سرزنش و انتقاد و استفاده از نظر منفی در مورد دیگری تلاش می کنند بر طرف مقابل نفوذ پیدا کنند و در این میان هیچ رابطه مناسبی بین زوجین وجود ندارد. در این رابطه بیهوده و مخرب، بی اعتمادی، بی احترامی، توهین، نفرت و خصومت مشاهده می شود؛ بنابراین می توان گفت که تعارض زناشویی نوعی ارتباط زناشویی با اقدامات خصمانه مانند توهین، سرزنش، انتقاد و حمله فیزیکی است (فرح بخش، ۲۰۰۵؛ به نقل از ارجمند، فلاح چایی، زارع، ۲۰۱۵).

چنانچه اختلافات زناشویی ادامه یابد، ممکن است به صورت مزمن کنار بکشند که گاتمن آن را دیوار سنگی کشیدن^۱ می نامد. اصطلاح دیوار سنگی کشیدن آخرین حد کناره گیری است و حاکی از آن است که واحد زن و شوهری در معرض خطر دهن شدن هستند و قادر نیست از طریق حتی یک واقعه عاطفی قدرتمند خود را ترمیم کند (یانگ و لانگ، ۲۰۰۷).

احتمال دارد شخصیت های مستعد طلاق وجود داشته باشند که حتی ملایم ترین پاسخ ها و کنترل شده ترین جوابگویی ها نمی تواند آن ها را از گزند طلاق مصون بدارد. این دیدگاه که آسیب شناسی روانی افراد تعیین کننده عمده برای خطر طلاق است، یک سابقه دیرینه دارد. با وجود این تحقیق روی ویژگی های شخصیتی خاص به عنوان عامل خطر ساز برای طلاق تمرکز و همگرایی نشان می دهد (صدرالاشرفی و همکاران، ۱۳۹۱).

¹ Stone Walling

نظریه و پژوهش نشان می‌دهد که صفات شخصیتی^۱ افراد موجب رابطه‌ای می‌شود که با رضایت^۲ و عملکرد زناشویی^۳ مرتبط است. از آنجایی که شخصیت^۴، شیوه‌هایی که افراد بر اساس آن محیطشان را تعبیر و تفسیر می‌کنند و به آن پاسخ می‌دهند را شکل می‌دهد، انتظار می‌رود صفات هریک از همسران بتواند تعاملات درون یک ارتباط تأثیر بگذارد (رابینز^۵، کاسپی^۶ و موفیت^۷، ۲۰۰۰).

تصور می‌شود شخصیت به‌عنوان یک مفهوم کلی و یکپارچه مهم باشد، اما پیش‌بینی‌کننده انتهایی کیفیت رابطه، صفات شخصیتی است که تعاملات درون رابطه را شکل می‌دهند و متمایل به تأثیر بر رضایت از رابطه هستند (کارنی^۸ و برادبوری، ۱۹۹۵؛ به نقل از نجارپوریان، ۱۳۹۱).

صفات شخصیتی به‌عنوان «الگوی همسان افکار^۹، احساسات^{۱۰} یا اعمالی^{۱۱} که مردم را از یکدیگر متمایز می‌کند»، تعریف می‌شوند (جانسون^{۱۲}، ۱۹۹۷؛ به نقل از دیرینفورث^{۱۳}، ۲۰۱۰). گرایش‌های شخصی به‌صورت «آسیب‌پذیری‌های بادوامی^{۱۴}» که چگونگی واکنش هر یک از زوجین به یکدیگر یا به حوادث بیرونی را شکل می‌دهند، در نظر گرفته می‌شود (دیرینفورث، ۲۰۱۰). شواهد پژوهشی نشان می‌دهد، تعاملات بین همسران، مقدار اندکی از ارتباط بین شخصیت و پیامدهای رابطه را میانجی‌گری می‌کند (دانلان، اسد^{۱۵}، رابینز و کانگر، ۲۰۰۷). بر اساس این مدل، این احتمال وجود دارد که اثرات میان فردی شخصیت نیز فراتر از گستره این ارتباط باشد. اگر شخصیت، تعاملات و واکنش‌های روزانه را شکل می‌دهد، صفات شخصیتی که فرد درون یک رابطه می‌آورد، نه تنها ممکن است بر رضایت ویژه از رابطه تأثیر بگذارد، بلکه همچنین در رضایت همسران از کل زندگی نیز مؤثر است (دیرینفورث، ۲۰۱۰).

¹ Personality traits

² Marital Satisfaction

³ Marital Functioning

⁴ Personality

⁵ Robins

⁶ Caspi

⁷ Moffitt

⁸ Kareny

⁹ Thought

¹⁰ Feeling

¹¹ Actions

¹² Johnson

¹³ Dyrenforth

¹⁴ Enduring vulnerabilities

¹⁵ Assad

در کنار ویژگی‌های شخصیتی و نشانه‌های روان‌شناختی مرتبط با تعارض زناشویی، ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مطرح می‌شوند. ساروخانی (۱۳۷۶) در ارتباط با نقش برخی عوامل جمعیت‌شناختی در بروز طلاق اظهار می‌دارد که عوامل اجتماعی اقتصادی به شکل‌گیری فضایی خاص در هر طبقه منجر می‌شود که درون آن فضا، رفتار انسان‌ها شکلی خاص می‌یابد. به اعتقاد وی شرایط معیشتی و وضعیت مالی خانواده، بر واکنش اعضا و پیوندهای خانوادگی تأثیر اجتناب‌ناپذیری دارد. همچنین از نظر وی هر مقطع تحصیلی، شأن اجتماعی خاصی پدید می‌آورد و به‌طور طبیعی انسان‌ها نیز در گزینش همسر، آن را معیار مهمی می‌دانند. هر مقطع تحصیلی، فضای فکری و حتی جهان‌بینی خاصی پدید می‌آورد که بر سلیقه‌ها و اندیشه‌های زوج‌ها مؤثر است. معمولاً با افزایش سطح تحصیلات، انسان‌ها نسبت به مسائل حساس‌تر و دقیق‌تر می‌شوند. به عبارتی سواد مانند یک عامل آگاهی‌بخش عمل می‌کند که باعث می‌شود، انسان‌ها نسبت به مسائل دیگران آگاه‌تر شوند و قدرت درک بیشتری پیدا کنند. در صورت نامتوازن بودن سطح تحصیلات، فردی که از لحاظ تحصیلی برتری دارد امتیازات دیگری در طرف مقابل برای جبران آن طلب می‌کند. در تأیید این تبیین‌ها، احمدی و رئیس پور (۱۳۸۷) در پژوهش خود نشان دادند که سطح بالای تحصیلات همسر با رضایت زناشویی زنان ارتباط مثبت معناداری دارد. به‌علاوه، نتیجه‌ی پژوهش آن‌ها نشان داد که بین تعداد فرزندان و رضایت زناشویی ارتباط معکوس وجود دارد؛ یعنی هرچه تعداد فرزندان بیشتر باشد میزان رضایت زناشویی کاهش می‌یابد. فرض اصلی پژوهش این است که ویژگی‌های شخصیتی و جمعیت‌شناختی می‌تواند تعارض زناشویی را پیش‌بینی کند.

روش

روش پژوهش، جامعه آماری و نمونه: با توجه به اینکه هدف از این پژوهش پیش‌بینی تعارض زناشویی از طریق ویژگی‌های شخصیتی و جمعیت‌شناختی زوج‌ها بود، روش این پژوهش همبستگی و پس‌رویدادی است. جامعه آماری زوجین ناراضی شامل کلیه زوج‌های در معرض طلاق مراجعه‌کننده به دادگاه‌های خانواده، شورای حل اختلاف در شهر اصفهان و جامعه آماری زوجین راضی کلیه زوجین متأهل شهر اصفهان که در تا مدت انجام پژوهش

(۱۳۹۳-۱۳۹۲) به دادگاه‌های خانواده مراجعه نکرده‌اند. نمونه گروه زوجین در معرض طلاق به صورت نمونه‌گیری در دسترس از زوجین مراجعه‌کننده به مرکز ارجاعات دادگستری استان اصفهان (طلاق توافق) ۱۶۰ زوج (۱۶۰ زن و ۱۶۰ مرد) انتخاب شدند. نمونه‌گیری زوجین راضی به صورت خوشه‌ای تصادفی از پنج ناحیه (مرکز، شمال، جنوب، شرق و غرب) شهر اصفهان ۱۶۰ زوج (۱۶۰ زن و ۱۶۰ مرد کلاً ۳۲۰ نفر) انتخاب شدند.

روش اجرا و تحلیل: داده‌ها از طریق آزمون t گروه‌های مستقل (برای مقایسه زوج‌های عادی و در معرض طلاق در ویژگی‌های شخصیتی) و با توجه به اینکه از مفروضه‌های آزمون لوجستیک، اسمی بودن متغیر و نرمال بودن داده‌هاست (هویت و کرامر، ۲۰۰۵) و این دو فرض در داده‌ها برقرار است، تحلیل رگرسیون لوجستیک دو ارزشی به شیوه گام‌به‌گام (برای تعیین مهم‌ترین متغیرهای پیش‌بینی کننده طلاق) با استفاده از SPSS 16 تحلیل شدند.

ابزار سنجش

پرسشنامه ۱۶ عاملی شخصیت کتل^۱: 16PF یک پرسشنامه با قابلیت نمره‌گذاری عینی است که بر مبنای پژوهش‌های بنیادی در روان‌شناسی جهت فراهم آوردن کامل‌ترین پوشش شخصیت ممکن در یک‌زمان کوتاه تهیه شده است.

«کتل» این پرسشنامه را با استفاده از فهرست صفات شخصیت که توسط آلپورت و اودبرت (۱۹۳۶) از ادبیات روان‌شناسی و روان‌پزشکی تدوین شده بود و شامل ۴۵۰۵ صفت بود، تدوین کرد که در مرحله اول این صفات را به ۱۷۱ رگه محدود کرد و نهایتاً پس از محاسبه همبستگی متقابل این رگه‌ها و با استفاده از روش تحلیل عاملی آن‌ها را به ۳۶ بعد تقلیل داد. کتل (۱۹۷۵) نهایتاً پس از تحلیل عاملی مجدد ۱۶ عامل متمایز را تبیین کرد و به‌عنوان پرسشنامه ۱۶ عاملی کتل مطرح ساخت.

پرسشنامه ۱۶ عاملی شخصیت کتل یکی از پرسشنامه‌ها جهت سنجش ویژگی‌های شخصیتی است که شامل دو دسته عوامل است.

دسته اول، عوامل اولیه یا جزئی که شامل: عامل A، گرمی: در قطب مثبت: گرم، خونگرم و

¹ Sixteen personality factor Questionnaire (16PF)

اجتماعی، مهربان بردبار، علاقه‌مند به خدمت، دوستدار مردم در مقابل قطب منفی: سرد، خوددار، بی‌علاقه به مردم، بی‌احساس، گوشه‌گیر، دیرجوش و خشک.

عامل B، استدلال انتزاعی در برابر استدلال عینی^۱: در قطب مثبت: دارای تفکر انتزاعی و باهوش و در قطب منفی: دارای تفکر عینی و کمتر باهوش.

مقیاس C، ثبات هیجانی (ثبات در برابر واکنشی بودن^۲ یا بی‌ثباتی): در قطب مثبت: دارای پایداری هیجانی، رشد یافتگی، واقع‌نگر و آرام و در قطب منفی: تحت تأثیر احساسات، ناپایداری هیجانی، بی‌تابی در برابر ناکامی.

عامل E، سلطه‌گری (سلطه‌پذیری در برابر سلطه‌گری): در قطب مثبت: سلطه‌گر، دارای اعتماد به نفس، پرخاشگر، سرسخت و نافرمان، جاه‌طلب و مستبد و در قطب منفی: سلطه‌پذیر مطیع، ملایم، تبعیت‌جو و سازش‌کار.

عامل F، سرزندگی و شور^۳ (سرزننده در برابر جدی): در قطب مثبت: پرشور، تکانشگر، بانشاط، پرحرف، پرجنب‌وجوش و بی‌اعتنا و در قطب منفی: دوراندیش، خویشتن‌دار، جدی، کم‌حرف و متین.

عامل G، باوجدان و پایبند به قانون^۴ (باوجدان و پایبند به قانون در برابر مصلحت‌گرا و ناپایبند به قانون^۵): در قطب مثبت: باوجدان، پایبند به قانون، مصمم و پایدار، پایبند اخلاق، جدی و در قطب منفی: مصلحت‌گرا، ناپایبند به قانون، بی‌قید.

عامل H، تهور (کمرو در برابر خطر‌جو): در قطب مثبت: متهور، مخاطره‌طلب، جسور و سرشار از هیجان و در قطب منفی: کمرو، ترسو، مردد، محتاط، حساس در برابر تهدید.

عامل I، حساسیت هیجانی (یکدنده^۶ در برابر نرم‌خو^۷): در قطب مثبت: آرمان‌گرا، حساسیت هیجانی، دارای تفکر منطقی، شهودی و با فرهنگ و در قطب منفی: یکدنده، به خود متکی، خشن و واقع‌گرا.

عامل L، گوش‌به‌زنگ بودن^۸ (بدگمانی در برابر اعتماد کردن): در قطب مثبت: بدگمان،

¹ Concrete

² Reactive

³ Liveliness

⁴ Rule-consciousness

⁵ Expedient

⁶ Tough-minded

⁷ Tender-minded

⁸ Vigilance

شکاک و دارای تفکر پارانویدی و در قطب منفی: اعتماد کننده، سازش‌پذیر و به راحتی می‌توان با او کنار آمد.

عامل M، انتزاعی بودن (عمل‌گرایی در برابر تخیلی): در قطب مثبت: تخیلی، حواس‌پرت، در خود فرورفته و بی‌دست‌وپا و در قطب منفی: عمل‌گرا، منضبط و ثابت‌قدم.

عامل N، زیرکی^۱ (رک‌گویی و صراحت^۲ در برابر حفظ حریم خصوصی): در قطب مثبت: زیرک، سیاستمدار، حسابگر، دارای آگاهی اجتماعی و مؤدب و موقر و در قطب منفی: رک‌گو، بی‌تکلف، باز، اصیل، ساده‌لوح.

عامل O، بیم و نگرانی^۳ (مستعد احساس گناه^۴ در برابر اطمینان به خود^۵): در قطب مثبت: بیمناک، خود سرزنش کننده، مستعد احساس گناه، نگران، دارای احساس ناایمنی و در قطب منفی: به خود متکی، آزادی از احساس گناه، آسوده و غیر حساس، احساس آرامش و امنیت.

Q1، باز بودن نسبت به تغییر (محافظه‌کار در برابر تجربه‌گرا): در قطب مثبت: تجربه‌گرا، آزاداندیش، انتقادگر، آماده پذیرش تغییر و در قطب منفی: محافظه‌کار، پذیرای عقاید سنتی و قراردادی.

Q2، خودبستگی^۶ (خودبسته در برابر گروه‌مدار^۷): در قطب مثبت: خودبسته، مبتکر و کاردان، دارای اعتماد به نفس و در قطب منفی: جمع‌گرا، وابسته به گروه، تقلیدکننده و تبعیت‌جو.

Q3، کمال‌گرایی^۸ (کمال‌گرا در برابر اختلال‌مدار^۹): در قطب مثبت: مسلط بر خود، دارای خود پنداره بالا، دارای نظم و ترتیب اجتماعی و وسواسی و در قطب منفی: در تعارض با خود، بی‌نظم و ترتیب، بی‌توجه به مقررات اجتماعی.

Q4، تنش (آرمیده در برابر تنیده^{۱۰}): در قطب مثبت: تنیده، برانگیختگی بالا، درمانده و ناتوان، توان زدوده و فعالیت بیش‌ازحد و در قطب منفی: آرمیده، بی‌دغدغه، آرام و خوددار، برانگیختگی کم و امیدوار (شریفی، ۱۳۷۶).

¹ Shrewdness

² Forthright

³ Apprehension

⁴ Guilt-prone

⁵ Self-assured

⁶ Self-reliance

⁷ Group-oriented

⁸ Perfectionism

⁹ Tolerate disorder

¹⁰ Tense

دسته دوم، عوامل مرتبه دوم یا کلی که شامل: برون‌گرایی^۱: (برون‌گرایی در برابر درون‌گرایی) - اضطراب^۲: (اضطراب بالا در برابر اضطراب پایین) - انعطاف‌پذیری^۳: (انعطاف‌پذیری در برابر حساسیت عاطفی) - استقلال^۴: (استقلال در برابر وابستگی) - کنترل‌غرایز^۵: (کنترل بالا در برابر کنترل پایین) - سازگاری^۶: (سازگاری در برابر عدم سازگاری) - قدرت رهبری^۷: (قدرت رهبری بالا در برابر قدرت رهبری پایین) - خلاقیت^۸: (خلاقیت بالا در برابر خلاقیت پایین)

روایی و پایایی پرسشنامه در ایران: در ایران برزگر (۱۳۷۵) این پرسشنامه را در مورد ۹۱۰ نفر از دانش‌آموزان دختر و پسر پایه دوم و سوم دبیرستان‌های شیراز هنجاریابی نموده است. متوسط میزان ضریب اعتبار به‌دست‌آمده با روش آزمون - آزمون مجدد بافاصله زمانی دو هفته برابر با ۰/۶۵ و بافاصله زمانی سه ماه، ۰/۵۲ با روش همسانی درونی (آلفای کرونباخ) برابر ۰/۵۴ گزارش کرده است که با ضرایب گزارش شده در تحقیقات دیگر هم‌خوانی دارد.

روایی و پایایی پرسشنامه در خارج از کشور: در مورد اعتبار پرسشنامه کتل، با چندین روش، اعتبار آن محاسبه شده که همگی نشان‌دهنده اعتبار بسیار بالای این پرسشنامه است. برای نمونه ضریب اعتبار پرسشنامه با روش آزمون - آزمون مجدد بافاصله ۲ هفته در مورد آزمودنی‌های کانادایی و آمریکایی به ترتیب بدین گونه است:

$F=0/90$ و $0/79$ ، $E=0/83$ و $0/79$ ، $C=0/83$ و $0/78$ ، $B=0/79$ و $0/58$ ، $A=0/86$ و $0/51$
 $M=0/75$ و $0/70$ ، $L=0/78$ و $0/75$ ، $I=0/90$ و $0/77$ ، $H=0/92$ و $0/79$ ، $G=0/81$ و $0/81$
 $Q_3=0/80$ و $0/62$ ، $Q_2=0/85$ و $0/73$ ، $Q_1=0/82$ و $0/73$ ، $O=0/83$ و $0/79$ ، $N=0/77$ و $0/61$
 $Q_4=0/80$ و $0/62$

ضریب اعتبار همسانی درونی 16PF از ۰/۶۶ تا ۰/۸۶ با میانه ۰/۷۵ در دو نمونه از جمعیت عمومی و از نمونه از دانشجویان کالج و اعتبار آزمون - آزمون مجدد پس از دو هفته برای دانشجویان کالج از ۰/۶۹ تا ۰/۸۷ پس از دو ماه از ۰/۵۶ تا ۰/۷۹ به‌دست آمده است (یک هفته ۰/۷۸، شش ماه ۰/۶۶،

¹ Extraversion

² Anxiety

³ Tough poise

⁴ Independence

⁵ Control

⁶ Adjustment

⁷ Leadership

⁸ Creativity

یک سال ۰/۵۹ و شش سال ۰/۴۸) توسط شورگر (۱۹۹۲) گزارش شده است. روایی پرسشنامه توسط کتل (۱۹۷۵) مورد تأیید قرار گرفته و از نظر وی روایی آن بسیار بالاست. هم‌چنین مطالعات بین فرهنگی در اروپای غربی، اروپای شرقی، خاورمیانه، استرالیا و کانادا صورت گرفته و پژوهش‌های مختلف، روایی آن را تأیید کرده‌اند (ترخان، ۱۳۹۱). پرسشنامه ویژگی‌های جمعیت‌شناختی: برای سنجش ویژگی‌های جمعیت‌شناختی از پرسشنامه محقق ساخته، شامل سن، مدت ازدواج، فاصله سنی با همسر، تعداد فرزندان و طریقه آشنایی با همسر استفاده شد.

یافته‌ها

یافته‌های توصیفی نشان داد که: افراد نمونه در گروه سنی ۱۸ تا ۷۴ ساله بودند و مدت ازدواج آن‌ها از یک سال تا ۴۶ سال بودند و طریقه‌ی آشنایی آنان به شرح زیر بود:
۲۴ زوج آشنایی خانوادگی، ۲۴ زوج فامیل، ۱۴ زوج دوست و ۹۸ زوج از طریق خواستگاری آشنا شدند.

زوجین ناراضی از بین متقاضیان طلاق (طلاق توافقی) که به مرکز ارجاعات مشاوره دادگستری استان اصفهان در سال ۱۳۹۲-۱۳۹۳ مراجعه کرده‌اند انتخاب می‌شوند؛ که به صورت نمونه‌گیری در دسترس انجام شد به دلیل اینکه لیست افراد متقاضی طلاق در دسترس نبود؛ که در گروه سنی ۱۶ تا ۶۰ ساله بودند و مدت ازدواج آن‌ها از یک سال تا ۲۱ سال بودند و طریقه‌ی آشنایی آنان به شرح زیر بود:

۱۳ زوج آشنایی خانوادگی، ۳۰ زوج فامیل، ۵۵ زوج دوست و ۶۲ زوج از طریق خواستگاری آشنا شدند.

در جدول شماره ۱ شاخص‌های توصیفی شامل میانگین، انحراف معیار زوجین عادی و در معرض طلاق در عوامل جزئی ارائه شده است.

جدول شماره ۱. میانگین انحراف معیار گروه‌ها در عوامل جزئی شخصیت کتل

عامل	گروه	میانگین	انحراف استاندارد
عامل A (گرمی)	در معرض طلاق	۵/۹۰۹۴	۲/۴۲۰۱۲
	عادی	۶/۳۰۰۰	۲/۲۰۷۹۹

انحراف استاندارد	میانگین	گروه	عامل
۱/۳۱۱۲۶	۲/۱۳۱۳	در معرض طلاق	عامل B (هوش)
۱/۶۱۱۰۴	۳/۰۱۲۵	عادی	
۲/۰۲۴۰۶	۵/۲۳۱۳	در معرض طلاق	عامل C (ثبات هیجانی)
۲/۰۳۹۴۹	۵/۶۶۸۸	عادی	
۱/۹۷۱۵۰	۶/۰۱۸۸	در معرض طلاق	عامل E (سلطه‌گری)
۱/۷۵۹۱۷	۵/۵۵۰۰	عادی	
۱/۹۹۹۳۶	۵/۵۹۳۸	در معرض طلاق	عامل F (سرزندگی)
۱/۸۱۴۲۲	۶/۲۳۷۵	عادی	
۱/۸۴۷۶۴	۴/۹۹۶۹	در معرض طلاق	عامل G (پایبندی به قانون)
۱/۷۹۱۵۹	۴/۹۱۸۸	عادی	
۱/۶۷۴۰۷	۶/۲۵۰۰	در معرض طلاق	عامل H (تهور)
۱/۸۴۰۷۵	۶/۲۳۱۳	عادی	
۱/۸۷۸۷۴	۵/۰۰۶۳	در معرض طلاق	عامل I (حساسیت هیجانی)
۱/۶۶۵۴۳	۵/۱۰۰۰	عادی	
۱/۵۱۱۱۸	۴/۹۳۱۳	در معرض طلاق	عامل L (گوش‌به‌زنگی)
۱/۵۴۲۲۵	۵/۰۶۲۵	عادی	
۱/۹۳۵۲۷	۴/۹۷۱۹	در معرض طلاق	عامل M (انتزاعی بودن)
۱/۸۹۳۶۴	۴/۴۸۱۳	عادی	
۱/۹۹۹۱۲	۵/۴۴۰۶	در معرض طلاق	عامل N (زیرکی)
۲/۰۹۴۳۶	۵/۳۷۸۱	عادی	
۲/۱۱۹۸۳	۵/۳۸۱۳	در معرض طلاق	عامل O (نگرانی)
۱/۹۳۹۱۶	۴/۸۳۷۵	عادی	
۱/۹۹۷۳۹	۵/۱۴۰۶	در معرض طلاق	عامل Q ₁ (باز بودن نسبت به تغییر)
۲/۱۰۵۷۸	۵/۳۲۸۱	عادی	
۲/۰۸۴۹۹	۴/۹۳۷۵	در معرض طلاق	عامل Q ₂
۱/۸۹۵۵۴	۵/۱۵۶۳	عادی	(خودبستگی)
۱/۹۲۹۴۴	۵/۶۶۲۵	در معرض طلاق	عامل Q ₃
۱/۷۷۸۳۱	۵/۶۰۰۰	عادی	(کمال‌گرایی)
۱/۹۷۲۵۳	۵/۹۰۶۳	در معرض طلاق	عامل Q ₄ (تنش)
۱/۷۲۹۵۲	۵/۳۲۵۰	عادی	

جدول شماره ۲. میانگین انحراف معیار گروه‌ها در عوامل کلی شخصیت کتل

انحراف استاندارد	میانگین	گروه	عامل
۱/۶۴۵۹۹	۶/۲۴۲۵	در معرض طلاق	برون‌گرایی
۱/۵۸۹۷۵	۶/۴۹۲۲	عادی	
۱/۵۴۵۱۹	۵/۵۱۴۱	در معرض طلاق	اضطراب
۱/۵۴۵۶۱	۵/۰۶۹۴	عادی	
۱/۵۱۴۳۸	۶/۰۵۷۸	در معرض طلاق	انعطاف
۱/۶۹۷۷۰	۶/۱۰۰۰	عادی	

عامل	گروه	میانگین	انحراف استاندارد
استقلال	در معرض طلاق	۵/۸۱۳۴	۱/۵۲۰۵۷
	عادی	۸/۴۰۶۶	۴۹/۳۴۷۹۴
کنترل	در معرض طلاق	۵/۲۲۷۵	۱/۸۴۵۹۳
	عادی	۵/۰۹۹۴	۱/۶۸۷۲۴
سازگاری	در معرض طلاق	۴/۵۲۷۲	۱/۹۷۵۶۰
	عادی	۵/۲۹۰۹	۲/۲۱۷۳۳
رهبری	در معرض طلاق	۳/۷۱۰۳	۱/۳۳۸۹۹
	عادی	۴/۰۹۸۱	۱/۳۵۴۰۸
خلافت	در معرض طلاق	۴/۱۶۹۴	۱/۷۴۵۸۲
	عادی	۴/۰۶۱۹	۱/۵۸۰۰۶

جدول شماره ۳. آزمون آمینوس (عوامل شخصیتی)

Sig.	درجه آزادی	مجذور خی		
۰/۰۰۰	۱	۵۵/۱۰۶	گام	مرحله ۱
۰/۰۰۰	۱	۵۵/۱۰۶	بلوک	
۰/۰۰۰	۱	۵۵/۱۰۶	مدل	
۰/۰۰۰	۱	۳۵/۴۳۳	گام	مرحله ۲
۰/۰۰۰	۲	۹۰/۵۴۰	بلوک	
۰/۰۰۰	۲	۹۰/۵۴۰	مدل	مرحله ۳
۰/۰۰۰	۱	۱۳/۹۹۸	گام	
۰/۰۰۰	۳	۱۰۴/۵۳۸	بلوک	
۰/۰۰۰	۳	۱۰۴/۵۳۸	مدل	مرحله ۴
۰/۰۰۴	۱	۸/۱۱۷	گام	
۰/۰۰۰	۴	۱۱۲/۶۵۵	بلوک	
۰/۰۰۰	۴	۱۱۲/۶۵۵	مدل	مرحله ۵
۰/۰۰۰	۱	۶/۷۶۹	گام	
۰/۰۰۰	۵	۱۱۹/۴۲۴	بلوک	
۰/۰۰۰	۵	۱۱۹/۴۲۴	مدل	مرحله ۶
۰/۰۱۳	۱	۶/۲۲۸	گام	
۰/۰۰۰	۶	۱۲۵/۶۵۲	بلوک	
۰/۰۰۰	۶	۱۲۵/۶۵۲	مدل	مرحله ۷
۰/۰۱۵	۱	۵/۹۱۲	گام	
۰/۰۰۰	۷	۱۳۱/۵۶۴	بلوک	
۰/۰۰۰	۷	۱۳۱/۵۶۴	مدل	مرحله ۸
۰/۰۳۰	۱	۴/۷۱۲	گام	
۰/۰۰۰	۸	۱۳۶/۲۷۶	بلوک	
۰/۰۰۰	۸	۱۳۶/۲۷۶	مدل	مرحله ۹
۰/۰۴۲	۱	۴/۱۴۵	گام	
۰/۰۰۰	۹	۱۴۰/۴۲۱	بلوک	
۰/۰۰۰	۹	۱۴۰/۴۲۱	مدل	

یافته‌های جدول شماره ۳ نشان می‌دهد که پس از ۹ مرحله با استفاده از روش مرحله‌به‌مرحله پیش‌رونده مدل نهایی محاسبه شده است. در اولین مرحله بهبود مجذور خی با $۵۵/۱۰۶$ و $(p = ۰/۰۰۰)$ و در آخرین مرحله بهبود مجذور خی برابر یا $۴/۱۴۵$ ($P = ۰/۰۴۲$) و معادله کلی با بهبود مجذور خی برابر با $۱۴۰/۴۲۱$ و $(P = ۰/۰۰۰)$ محاسبه شده است.

جدول شماره ۴. آزمون همسو و لمشو

مرحله	مجدور خی	درجه آزادی	سطح معناداری
۱	۸/۰۲۰	۳	۰/۰۴۶
۲	۱۱/۱۶۷	۶	۰/۰۸۳
۳	۱۴/۸۸۴	۸	۰/۰۶۱
۴	۱۰/۸۴۲	۸	۰/۳۱۱
۵	۱۵/۶۱۸	۸	۰/۰۴۸
۶	۶/۸۴۲	۸	۰/۵۵۴
۷	۷/۲۵۲	۸	۰/۵۱۰
۸	۹/۸۸۹	۸	۰/۳۷۳
۹	۱۰/۹۰۰	۸	۰/۲۰۷

جدول شماره ۵. خلاصه مدل رگرسیون لجستیک

مراحل	احتمال ۲- لگاریتم	ضریب تعیین کوک و اسنل	ضریب تعیین ناگل کرک
۱	۸۳۲/۱۲۲	۰/۰۸۳	۰/۱۱۰
۲	۷۹۶/۶۸۹	۰/۱۲۳	۰/۱۷۶
۳	۷۸۲/۶۹۰	۰/۱۵۱	۰/۲۰۱
۴	۷۷۴/۵۷۳	۰/۱۶۱	۰/۲۱۵
۵	۷۶۷/۸۰۵	۰/۱۷۰	۰/۲۲۷
۶	۷۶۱/۵۷۶	۰/۱۷۸	۰/۲۳۸
۷	۷۵۵/۶۶۵	۰/۱۸۶	۰/۲۴۸
۸	۷۵۰/۹۵۲	۰/۱۹۲	۰/۲۵۶
۹	۷۴۶/۸۰۷	۰/۱۹۷	۰/۲۶۳

یافته‌های جدول شماره ۵ نشان می‌دهد که $۰/۱۹۷$ تغییرات متغیر وابسته تابع تغییرات متغیر مستقل است.

جدول شماره ۶. دسته‌بندی (کلیه متغیرها)

Predicted			گروه	مرحله
درصد اصلاح شده	گروه			
	عادی	طلاق		
۶۹/۷	۹۷	۲۲۳	طلاق	گروه ۱
۶۰/۳	۱۹۳	۱۲۷	عادی	
۶۵/۰			درصد کل	
۶۸/۴	۱۰۱	۲۱۹	طلاق	گروه ۲
۵۶/۲	۱۸۰	۱۴۰	عادی	
۶۲/۳			درصد کل	
۷۱/۲	۹۲	۲۲۸	طلاق	گروه ۳
۶۲/۵	۲۰۰	۱۲۰	عادی	
۶۶/۹			درصد کل	
۷۳/۱	۸۶	۲۳۴	طلاق	گروه ۴
۶۰/۶	۱۹۴	۱۲۶	عادی	
۶۶/۹			درصد کل	
۷۲/۵	۸۸	۲۳۲	طلاق	گروه ۵
۶۳/۱	۲۰۲	۱۱۸	عادی	
۶۷/۸			درصد کل	
۷۱/۶	۹۱	۲۲۹	طلاق	گروه ۶
۶۵/۳	۲۰۹	۱۱۱	عادی	
۶۸/۴			درصد کل	
۷۱/۶	۹۱	۲۲۹	طلاق	گروه ۷
۶۵/۰	۲۰۸	۱۱۲	عادی	
۶۸/۳			درصد کل	
۷۱/۹	۹۰	۲۳۰	طلاق	گروه ۸
۶۲/۸	۲۰۱	۱۱۹	عادی	
۶۷/۳			درصد کل	
۶۹/۷	۹۷	۲۲۳	طلاق	گروه ۹
۶۵/۶	۲۱۰	۱۱۰	عادی	
۶۷/۷			درصد کل	

جدول شماره ۶ نشان می‌دهد که حساسیت مدل نهایی در تعیین افراد گروه عادی ۶۵/۶٪ و در تعیین افراد گروه در معرض طلاق ۶۹/۷٪ می‌باشد. به‌طور کلی نیز مدل ۶۷/۷٪ کل افراد را به‌درستی تفکیک نموده است.

جدول شماره ۷. ضرایب معادله لوجستیک (متغیرهای واردشده در معادله)

فاصله اطمینان %۹۵		Exp(B)	سطح اطمینان	درجه آزادی	Wald	S.E.	B		
Upper	Lower								
۱/۶۸۳	۱/۳۴۱	۱/۵۰۲	۰/۰۰۰	۱	۴۹/۱۳۵	۰/۰۵۸	۰/۴۰۷	B(هوش)	مرحله ۱
		۰/۳۵۶	۰/۰۰۰	۱	۳۸/۷۲۷	۰/۱۶۶	-۱/۰۳۳	Constant	
۲/۲۶۴	۱/۴۷۳	۱/۸۲۶	۰/۰۰۰	۱	۳۰/۰۸۶	۰/۱۱۰	۰/۶۰۲	فرزند	مرحله ۲
۱/۶۴۱	۱/۲۹۹	۱/۴۶۰	۰/۰۰۰	۱	۴۰/۱۲۰	۰/۰۶۰	۰/۳۷۸	B(هوش)	
		۰/۲۷۷	۰/۰۰۰	۱	۵۱/۶۸۱	۰/۱۷۸	-۱/۲۸۳	Constant	
۲/۲۸۱	۱/۴۸۲	۱/۸۳۹	۰/۰۰۰	۱	۳۰/۷۱۸	۰/۱۱۰	۰/۶۰۹	فرزند	مرحله ۳
۱/۶۱۳	۱/۲۷۴	۱/۴۳۴	۰/۰۰۰	۱	۳۵/۸۸۴	۰/۰۶۰	۰/۳۶۰	B(هوش)	
۱/۲۹۴	۱/۰۸۲	۱/۱۸۳	۰/۰۰۰	۱	۱۳/۵۷۷	۰/۰۴۶	۰/۱۶۸	F(سرزندگی)	
		۰/۱۰۷	۰/۰۰۰	۱	۴۸/۳۴۱	۰/۳۲۲	-۲/۲۳۸	Constant	
۲/۳۴۵	۱/۵۰۸	۱/۸۸۱	۰/۰۰۰	۱	۳۱/۴۵۸	۰/۱۱۳	۰/۶۳۲	فرزند	مرحله ۴
۱/۵۹۷	۱/۲۶۰	۱/۴۱۸	۰/۰۰۰	۱	۳۳/۳۷۶	۰/۰۶۰	۰/۳۴۹	B(هوش)	
۰/۹۶۰	۰/۷۹۷	۰/۸۷۵	۰/۰۰۵	۱	۷/۹۵۳	۰/۰۴۷	-۰/۱۳۴	E(سلطه‌گری)	
۱/۲۹۹	۱/۰۸۴	۱/۱۸۷	۰/۰۰۰	۱	۱۳/۷۹۹	۰/۰۴۶	۰/۱۷۱	F(سرزندگی)	
		۰/۳۳۱	۰/۰۰۰	۱	۱۲/۲۶۴	۰/۴۱۸	-۱/۴۶۴	Constant	
۲/۳۶۹	۱/۵۱۹	۱/۸۹۷	۰/۰۰۰	۱	۳۱/۸۸۰	۰/۱۱۳	۰/۶۴۰	فرزند	مرحله ۵
۱/۵۶۶	۱/۲۳۳	۱/۳۹۰	۰/۰۰۰	۱	۲۹/۱۶۳	۰/۰۶۱	۰/۳۲۹	B(هوش)	
۰/۹۶۴	۰/۸۰۰	۰/۸۷۸	۰/۰۰۷	۱	۷/۳۸۷	۰/۰۴۸	-۱/۱۳۰	E(سلطه‌گری)	
۱/۲۸۲	۱/۰۶۸	۱/۱۷۰	۰/۰۰۱	۱	۱۱/۳۷۴	۰/۰۴۷	۰/۱۵۷	F(سرزندگی)	
۰/۹۷۱	۰/۸۰۷	۰/۸۸۵	۰/۰۱۰	۱	۶/۶۹۴	۰/۰۴۷	-۰/۱۲۲	Q4(تنش)	
		۰/۵۰۹	۰/۱۹۱	۱	۱/۷۱۳	۰/۵۱۵	-۰/۶۷۴	Constant	
۰/۹۸۷	۰/۸۸۹	۰/۹۳۷	۰/۰۱۴	۱	۶/۰۵۸	۰/۰۲۷	-۰/۰۶۶	فاصله	مرحله ۶
۲/۴۹۹	۱/۵۸۵	۱/۹۹۰	۰/۰۰۰	۱	۳۵/۱۲۵	۰/۱۱۶	۰/۶۸۸	فرزند	
۱/۵۶۸	۱/۲۳۳	۱/۳۹۰	۰/۰۰۰	۱	۲۸/۸۴۶	۰/۰۶۱	۰/۳۲۹	B(هوش)	
۰/۹۷۰	۰/۸۰۴	۰/۸۸۳	۰/۰۱۰	۱	۶/۶۷۷	۰/۰۴۸	-۰/۱۲۴	E(سلطه‌گری)	
۱/۲۸۹	۱/۰۷۳	۱/۱۷۶	۰/۰۰۱	۱	۱۲/۰۵۰	۰/۰۴۷	۰/۱۶۲	F(سرزندگی)	
۰/۹۶۹	۰/۸۰۵	۰/۸۸۳	۰/۰۰۸	۱	۶/۹۳۱	۰/۰۴۷	-۰/۱۲۵	Q4(تنش)	
		۰/۶۲۷	۰/۲۷۲	۱	۰/۷۹۸	۰/۵۲۳	-۰/۴۶۷	Constant	
۰/۹۸۶	۰/۸۸۸	۰/۹۳۶	۰/۰۱۳	۱	۶/۱۷۱	۰/۰۲۷	-۰/۰۶۶	فاصله	مرحله ۷
۲/۵۰۸	۱/۵۸۹	۱/۹۹۷	۰/۰۰۰	۱	۳۵/۳۰۳	۰/۱۱۶	۰/۶۹۱	فرزند	
۱/۵۷۶	۱/۲۳۶	۱/۳۹۶	۰/۰۰۰	۱	۲۸/۹۲۰	۰/۰۶۲	۰/۳۳۳	B(هوش)	
۰/۹۶۲	۰/۷۹۵	۰/۸۷۵	۰/۰۰۶	۱	۷/۵۴۷	۰/۰۴۹	-۰/۱۳۴	E(سلطه‌گری)	
۱/۳۰۱	۱/۰۸۱	۱/۱۸۶	۰/۰۰۰	۱	۱۳/۰۰۴	۰/۰۴۷	۰/۱۷۰	F(سرزندگی)	
۱/۲۹۸	۱/۰۲۷	۱/۱۵۵	۰/۰۱۶	۱	۵/۸۱۹	۰/۰۶۰	۰/۱۴۴	L(گوش‌به‌زنگی)	
۰/۹۴۷	۰/۷۸۲	۰/۸۶۰	۰/۰۰۲	۱	۹/۴۸۷	۰/۰۴۹	-۰/۱۵۱	Q4(تنش)	
		۰/۳۵۴	۰/۰۷۲	۱	۳/۲۳۵	۰/۵۷۸	-۱/۰۳۹	Constant	
۱/۰۶۸	۱/۰۰۳	۱/۰۳۵	۰/۰۳۲	۱	۴/۵۹۴	۰/۰۱۶	۰/۰۳۴	سن	مرحله ۸
۰/۹۸۰	۰/۸۸۲	۰/۹۳۰	۰/۰۰۷	۱	۷/۳۵۶	۰/۰۲۷	-۰/۰۷۳	فاصله	
۱/۲۰۱	۱/۲۶۳	۱/۶۶۷	۰/۰۰۰	۱	۱۳/۰۱۷	۰/۱۴۲	۰/۵۱۱	فرزند	

فاصله اطمینان ۹۵٪		Exp(B)	سطح اطمینان	درجه آزادی	Wald	S.E.	B	
Upper	Lower							
۱/۵۹۳	۱/۲۴۷	۱/۴۱۰	۰/۰۰۰	۱	۳۰/۲۶۰	۰/۰۶۲	۰/۳۴۳	هوش(B)
۹۵۶	۰/۷۸۸	۰/۸۶۸	۰/۰۰۴	۱	۸/۲۹۶	۰/۰۴۹	-۰/۱۴۲	سلطه‌گری(E)
۱/۲۹۶	۱/۰۷۶	۱/۱۸۱	۰/۰۰۰	۱	۱۲/۳۲۰	۰/۰۴۷	۰/۱۶۶	سرزندگی(F)
۱/۳۰۴	۱/۰۳۱	۱/۱۵۹	۰/۰۱۴	۱	۶/۰۷۸	۰/۰۶۰	۰/۱۴۸	گوش‌به‌زنگی(L)
۰/۹۵۵	۰/۷۸۸	۰/۸۶۷	۰/۰۰۴	۱	۸/۳۷۷	۰/۰۴۹	-۰/۱۴۲	تنش(Q4)
		۰/۱۴۱	۰/۰۰۷	۱	۷/۳۵۲	۰/۷۲۲	-۱/۹۵۷	Constant
۱/۰۶۸	۱/۰۰۳	۱/۰۳۵	۰/۰۳۱	۱	۴/۶۴۴	۰/۰۱۶	۰/۰۳۵	سن
۰/۹۸۱	۰/۸۸۳	۰/۹۳۰	۰/۰۰۷	۱	۷/۲۵۳	۰/۰۲۷	۰/۰۷۲	فاصله
۲/۱۳۸	۱/۲۱۸	۱/۶۱۴	۰/۰۰۱	۱	۱۱/۱۲۹	۰/۱۴۴	۰/۴۷۹	فرزند
۱/۱۷۲	۱/۰۰۳	۱/۰۸۴	۰/۰۴۲	۱	۴/۱۱۷	۰/۰۴۰	۰/۰۸۱	گرمی(A)
۱/۶۰۹	۱/۲۵۹	۱/۴۲۳	۰/۰۰۰	۱	۳۱/۷۲۲	۰/۰۶۳	۰/۳۵۳	هوش(B)
۰/۹۴۴	۰/۷۷۷	۰/۸۵۷	۰/۰۰۲	۱	۹/۶۵۴	۰/۰۵۰	-۰/۱۵۵	سلطه‌گری(E)
۱/۲۹۰	۱/۰۷۰	۱/۱۷۵	۰/۰۰۱	۱	۱۱/۴۸۴	۰/۰۴۸	۰/۱۶۱	سرزندگی(F)
۱/۲۸۷	۱/۰۱۵	۱/۱۴۳	۰/۰۲۷	۱	۴/۸۷۱	۰/۰۶۱	۰/۱۳۴	گوش‌به‌زنگی(L)
۰/۹۴۷	۰/۷۸۰	۰/۸۶۰	۰/۰۰۲	۱	۹/۳۰۸	۰/۰۵۰	-۰/۱۵۱	تنش(Q4)
		۰/۱۰۶	۰/۰۰۲	۱	۹/۱۷۲	۰/۷۴۱	-۲/۲۴۴	Constant

مرحله ۹

یافته به‌دست آمده از جدول شماره ۷ نشان می‌دهد که در مرحله نهایی از متغیرهای روان‌شناختی، متغیرهای سن، فاصله سنی و تعداد فرزندان و از متغیرهای شخصیتی عامل‌های A, B, E, F, L, Q₄ وارد معادله شده است و نشان می‌دهد که این عوامل توان پیش‌بینی در معرض طلاق قرار گرفتن را دارند.

بحث و نتایج

در تحلیل رگرسیون لجستیک مشخص شد که از میان متغیرهای پژوهش (ویژگی‌های شخصیتی و جمعیت‌شناختی)، از متغیرهای روان‌شناختی، متغیرهای سن، فاصله سنی و تعداد فرزندان و از متغیرهای شخصیتی عامل‌های A, B, E, F, L, Q₄ وارد معادله شده است و نشان می‌دهد که این عوامل توان پیش‌بینی در معرض طلاق قرار گرفتن را دارند. نتایج این پژوهش با پژوهش میلر و همکاران (۲۰۱۴)، عاجلی لاهیجی و مقتدری (۲۰۱۵) همسو است. در تأیید این نتایج می‌توان گفت که در مورد زوجین باید نسبت به این عوامل حساس بود به عبارتی زوجین که در عامل گرمی (A) تفاوت فاحش داشته باشند بیشتر دچار تعارض شده و این تعارض اغلب به‌وسیله تعارض پیرامون مقدار زمانی که هر یک از آنان مایل‌اند با خانواده گسترده و هم در فعالیت‌های

اجتماعی با دیگران بگذرانند، انعکاس می‌یابد، اگرچه این افراد در ابتدا جذب یکدیگر می‌شود ولی با رشد روابط این زوجین از نیاز یا نبود تمایل به تماس‌های میان فردی ناراضی می‌شوند. عامل دوم که توان پیش‌بین در معرض طلاق بودن را دارد عامل استدلال انتزاعی در برابر عینی (B) است، کرول و راسل (۱۹۹۵) دریافتند که برای مردان تفاوت‌های معنادار در نمره‌های این عامل موجب مشکلات زیادی در ازدواجشان می‌شود که مشکلاتی در تظاهرات عاطفی، نارضایتی در تقسیم مسئولیت‌ها، روابط جنسی، امور مالی و ناکارآمدی در حل مسئله است به عبارتی فرد درمی‌یابد که در بسیاری از مسائل مهم نمی‌تواند با همسرش ارتباط فکری برقرار کند. مورد دیگر عامل سلطه‌گری (E) است در این مقیاس تفاوت بین زوجین، هر دو پایین و حتی هر دو بالا مشکل‌ساز است به این صورت که اگر یکی از زوجین نمره پایین و دیگری نمره بالا داشته باشد؛ زوج سلطه‌پذیر (نمره پایین) نمی‌تواند نیازهایش را ابراز دارد و ارضای آن‌ها را تحقق بخشد و اغلب به‌عنوان بیمار شناخته می‌شود. این نقیصه ممکن است به‌صورت افسردگی، سوء مصرف الکل یا مواد، شکوه‌های روان‌تنی، بیماری‌های روانی، رفتار نافع-پر خاشگری و مانند این‌ها جلوه‌گر شود و زوج سلطه‌گر هر چند سالم به نظر می‌رسد در عمل بر اثر کژکاری همسر سلطه‌پذیرش کنترل می‌شود. اگر هر دو همسر نمره بالا داشته باشند، ممکن است در کشاکش قدرت برای کنترل رابطه گرفتار شوند. از سوی دیگر، اگر نمره هر دو طرف در این مقیاس پایین باشد ممکن است از فلج شدن تصمیم‌گیری رنج ببرند. مورد دیگر عامل سرزندگی (F) اغلب افرادی که از نظر شور و اشتیاق و بازداری تفاوت نسبتاً زیاد دارند، در آغاز جذب یکدیگر می‌شوند، اما الگوی F بالا ممکن است برای دارندگان F پایین منبع آشفتگی و اضطراب باشد و افراد دارای نمره پایین برای همسر که نمره بالا دارد ملال‌انگیز باشد و لذت لحظه‌های زندگی را از او بگیرد. این می‌تواند منبع مهم تعارض محسوب شود. مورد دیگر گوش‌به‌زنگی یا بی‌اعتمادی (L) است افرادی که در این مقیاس نمره بالا می‌گیرند، نسبت به اعمال و انگیزه‌های همسرش بدگمان است که در نتیجه به یک الگوی ارتباطی اتهام - و - دفاع منجر می‌شود. دارندگان نمره‌های بالا گرایش دارند که احساسات خشم‌آلود خود را به همسرشان فراقنی کنند آنان نمی‌توانند حالت دفاعی خود را در یک رابطه صمیمانه پایین بیاورند، حتی اگر با این عمل رضایت خاطر بیشتری به دست آورند؛ بنابراین، کنار آمدن با آنان بسیار دشوار است. مورد دیگر تنش (Q₄) می‌باشد که اغلب از رابطه

زناشویی عاری از رضایت و پرتعارض ناشی می‌شود. با توجه به مباحث مطرح شده می‌توان گفت که در مشاوره‌های ازدواج به این عوامل باید توجه شود. از طرف دیگر در مورد نقش تعداد فرزندان در پیش‌بینی در معرض طلاق قرار گرفتن باید گفت که نتیجه این پژوهش با پژوهش احمدی و رئیس‌پور (۱۳۸۷) ناهمسو و با تحقیق شاهمرادی، فاتحی‌زاده و احمدی (۱۳۹۰) همسو است. در این خصوص به نظر می‌رسد با افزایش تعداد فرزندان، زوجها خود را بیشتر ملزم به ادامه زندگی زناشویی می‌دانند و احتمال طلاق کاهش می‌یابد. در واقع فرزندان مانعی بر سر اقدام سریع و آسان به طلاق هستند و حداقل زوجین تا بزرگ شدن و ازدواج فرزندان به زندگی زناشویی خود ادامه می‌دهند.

پیشنهادها

۱. پیشنهاد می‌شود با در نظر گرفتن عوامل اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی، میزان پیش‌بینی کنندگی شخصیت برای رضایت زناشویی مورد مطالعه قرار گیرد.
۲. پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های بعدی به صورت جامع تر نقش سایر عوامل نظیر متغیرهای بین فردی، شناختی، محیطی و فرهنگی نیز در کنار تیپ‌های شخصیتی مورد بررسی قرار گیرد تا سهم دقیق‌تری از هر یک از آن‌ها در پیش‌بینی رضایت زناشویی به دست آید.
۳. با استفاده از مطالعه طولی امکان بررسی سیر و روند تأثیر ویژگی‌های شخصیتی بر رضایت زناشویی در طول زمان را فراهم می‌کند.

محدودیت‌ها

۱. این پژوهش در زوجین شهر اصفهان انجام شده است، لذا در تعمیم یافته‌ها برای مناطق دیگر باید دقت نمود.
۲. اجرای آزمون در میان زوجین ناراضی (که در واقع متقاضیان طلاق توافقی مراجعه کننده به مرکز ارجاعات دادگستری استان اصفهان بودند) به دلیل تحت استرس بودن و تنش‌هایی که با آن مواجه بودند، جلب رضایت از آن‌ها برای تکمیل پرسشنامه را بسیار مشکل کرد.

تقدیر و تشکر

با تشکر از معاونت اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم دادگستری کل استان اصفهان که نهایت همکاری را در اجرای این پژوهش با این جانب به عمل آوردند.

منابع

احمدی، ج. و رئیس‌پور، ح. (۱۳۸۷). بررسی رابطه رضایت زناشویی با متغیرهای مهارت‌های ارتباطی همسران، جنس، تعداد فرزندان و سطح تحصیلات همسر. چکیده مقالات همایش منطقه‌ای ازدواج و خانواده شهرکرد، ۷.

امانی، ر. (۱۳۹۱). مقایسه اثربخشی زوج‌درمانی هیجان‌مدار، شناختی-رفتاری و تلفیقی شناختی-رفتاری-هیجانی بر سیر تغییر رضایت‌مندی زناشویی زوجین و افسردگی زنان شهر همدان. پایان‌نامه دکترا مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی. دانشگاه اصفهان.

ترخان، م. (۱۳۹۱). ارزشیابی شخصیت. انتشارات دانشگاه پیام نور.

جلیلی، ف.، بخشایش، ع. ر. و فارسی‌نژاد، م. (۱۳۸۸). بررسی رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی و رفتار همسر آزاری. چکیده مقالات پنجمین همایش مشاوره اسلامی، قم، موسسه مطالعاتی مشاوره اسلامی، ۱۵۶-۱۵۷.

جهانیان، م. (۱۳۹۲). مقایسه‌ی تأثیر آموزش غنی‌سازی زندگی زوجین بر آموزش ذهن آگاهی بر رضایت زناشویی زوجین شهر اصفهان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره خانواده. دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی. دانشگاه اصفهان.

دیویس، ک. (۱۳۸۲). خانواده: راهنمای مفاهیم و فنون برای متخصصان یآوری. ترجمه بهاری و همکاران، انتشارات تزکیه.

ساروخانی، ب. (۱۳۷۶). طلاق، پژوهشی در شناخت واقعیت و عوامل آن. چاپ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران. شاهمرادی، س.، فاتحی‌زاده، م.، احمدی، ا. (۱۳۹۰). پیش‌بینی تعارض زناشویی از طریق ویژگی‌های شخصیتی، روانی و جمعیت‌شناختی زوج‌ها. فصلنامه دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی، سال دوازدهم، شماره ۱، ۳۳-۴۴.

شریفی، ح. (۱۳۷۶). نظریه و کاربرد آزمون‌های هوش و شخصیت. تهران، انتشارات سخن.

شفیعی مطلق، س. (۱۳۸۹). بررسی رابطه ساده و چندگانه سبک‌های دلبستگی و ویژگی‌های شخصیتی با رضایت زناشویی و شادی زناشویی در زن و شوهرهای شهر گچساران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه اصفهان، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی.

صدرالاشرفی، م.، خنکدار طارسی، م.، شمخانی، ا.، یوسفی افراشته، م. (۱۳۹۱). آسیب‌شناسی طلاق (علل و عوامل) و راهکارهای پیشگیری از آن، فصلنامه مهندسی فرهنگی، سال ۷، شماره ۷۳ و ۷۴.

- عطاری، ی.ع.، امان‌الهی فرد، ع.، و مهرابی زاده، م. (۱۳۸۵). بررسی رابطه ویژگی‌های شخصیتی و عوامل فردی - خانوادگی با رضایت زناشویی در کارکنان اداره‌های دولتی شهر اهواز. مجله علوم تربیتی و روان‌شناسی، ۳، ۸۱-۱۰۸.
- کیخسروی، ا. (۱۳۹۱). مقایسه تأثیر آموزش غنی‌سازی زندگی زوجین بر اساس رویکرد تایم و رویکرد السون بر رضایت و تعارض زناشویی در زوجین شهرستان بوکان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه اصفهان، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی.
- نجارپوریان، س. (۱۳۹۱). تدوین الگوی رابطه بین تیپ‌های شخصیتی با رضایت زناشویی در زوجین. پایان‌نامه دکترا مشاوره خانواده. دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی. دانشگاه اصفهان.
- هویت، د؛ کرامر، د. (۲۰۰۵). مقدمه‌ای بر روش تحقیق در روانشناسی و مشاوره. ترجمه پارش شریفی و دیگران، (۱۳۸۹). تهران: سخن.
- یوسفی، ن. (۱۳۹۱). روان‌درمانی و مشاوره خانواده. نشر پرسش. چاپ ۴. ۱۲۳-۱۳۴.
- Abdolhassan A, Seyed R F, Eghbal Z. Perfectionism and Forgiveness Role in the Prediction of Marital Conflict. Bull. Env.Pharmacol. Life Sci., Vol 4 [6] May 2015: 133-139.
- Ajeli Lahiji, L; Moghtaderi, N. (2015). The Role of Sexual Problems and Demographic Characteristics in Predicting Marital Satisfaction. GMP Review. 18(2). 376-383.
- Cattell, R.B. (1975). Personality and motivation structure and measurement. Newyork: Harcourt, Brace and World.
- Donnellan, B. M. Conger, R. D., & Bryant, C. M. (2004). The big five and enduring marriages. Jurnal of Research in Personality, 38, 481-504.
- Donnellan, M. B., Assad, K. K., Robins, R. W., & Conger, R. D. (2007). Do negative interactions mediate the effects of negative emotionality, communal positive emotionality, and constraint on relationship satisfaction? Journal of sex Research. 30, 171-179.
- Dyyenforth, P. S. (2010). Big Five personality and Relationship satisfaction: Actor, partner and similarity effects. Ph. D. Dissertation, Michigan state university.
- Korney, B.R., & Bradbury, T.N. (1995). The longitudinal Course of marital quality and stability: A review of theory, methods, and research. Psychological Bulletin, 118, 3 - 34.
- Lahsaee zadeh, Mardani, Hakiminia, (2013). Study of Effective Factors associated with marital conflict in the city. Social Science Quarterly, Islamic Azad University of Shoshtar.p789.
- Miller,Richard.B., Nunes,Nalu.A., Bean,Roy.A.,Day,Randal.D. (2014).Marital Problems and Marital Satisfaction Among Brazilian Couples. The American Journal of Family Therapy,42,153-166.
- Refahi, J. and N. Moghtaderi (2013). The Effect of Teaching Group Empathy Skill on Increased Couple Intimacy. Journal of Family Counseling and Psychotherapy, Issue 8, pp. 44-55.
- Robins, R.W., Casps, A., & Moffitt, T.E. (2000). Two personalities, on relationship: Both partners' Personality traits shape the quality of their relationship. Journal of

- personality and social psychology, 79, 251 – 259.
- Watson, D., Hubbard, B., & Wiese, D. (2000). General traits of personality and affectivity as predictors of satisfaction in intimate relationships: Evidence from self- and partnerratings. *Journal of Personality*, 68, 413-449.
- Whisman, M.A., Uebelacker, L.A., & Weinstock, L.M. (2007). Psychopathology and marital satisfaction: The importance of evaluating both partners. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 27, 830-838.
- Young, M. E., and Log. L. L. (2007). *Counseling and therapy for couples*. Brooks/ cole publishing company: USA.